



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱ | اردیبهشت ۱۳۹۹

نوجوان
بازار



کنار می آیند

نام، یهو یا!

چرا تنهاییم؟

...الف) ماس ماسک مالشی

من که خوب می دانم توهم مثل من کل روز را به شوق لحظه ای هستی که از راه برسی و خودت را پرت کنی روی تخت و تا آخر شب یا سرت در گوشی باشد، یا در لب تاب و داندلود فیلم های جدید.

همین فضای مجازی است که من و تو را شیفته تنهایی می کند و تا یکی می آید خلوت دوتایی ما و این ماس ماسک مالشی (همان تلفن همراه هوشمند) را به هم بزند، یا با یک هیسسسسسسسسسسس کش دار حرفش را قطع می کنیم، یا بهش می فهانیم این گوشمان در است و آن یکی دروازه و خلاصه که خودت را خسته نکن.

خدایی هم تفریح در فضای مجازی از بین خانه نشستن و حرف های از جنس تحلیل خبر و غرولند های وقت و بی وقت مادر درباره کارهای خانه بهتر و هیجان انگیز تر است. بد می گویم؟

ست، تو مثلاً وقتی بخواهی چیزی بنویسی، قطعاً نمی توانی بدون پالم تراوشات ادبی کنی! می توانی؟ (یکی از دوستان درد لایوگذاران این شب ها می خورد!) ش فکر کند و به قول معروف کارهای آن روزش را آنالیز کند. و هم حتماً قبول داری که آدم گاهی تنهایی را دوست دارد شب ها و روزهایی مثل این ماه عزیز.

...ب) بی کسی

تو رانمی دانم ولی من کلی هم سن و سال دارم که اصلاً کیف می کنند از اینکه تگ فرزند هستند و تمام توجه خانواده به آن هاست. اتفاقاً خیلی ها هم هستند که حسرت تگ فرزند بودن را دارند. همین جمعیت کم خانواده و رفت و آمدهای کم با فامیل هم باعث تنهایی آدم می شود. البته بگذریم از این که در جمع هم یا فکرمان جای دیگر است یا باز هم سرمان می رود در گوشی.

و فکر کنید سال های سال بعد، نه خواهری و برادری، نه دختر خاله و پسر عمویی و نه اصلاً خاله و عمویی و نه حتی پدری و مادری!! کلا هووووچی دیگه...

کی می شود. البته خطر که همیشه آسیب فیزیکی نیست. نشدن پاسخ ها انزوا طلب می شود. حالا اگر جریان ردای های سنین نوجوانی بگذاری... باشد بیشتر از این که بهتر است بی خیالش شوی. به خدا که جیزززززه.